

انتخاباتی مملو از قلب و مشحون از دخالت مقامات

در پنجم نوامبر گذشته دو انتخابات در آذربایجان انجام شد. آمار رسمی می‌گوید ۷۰ درصد از مردم به پای صندوق‌های رأی رفته‌اند و با اشتیاق به حزب حاکم، موسوم به «آذربایجان نو»، رأی داده‌اند؛ حزبی که الهام علی‌اف فرزند حیدر علی‌اف - رئیس‌جمهور فعلی و رهبر بلامنازع آذربایجان - به ریاست آن انتخاب شده است. بنابراین به نظر می‌رسد علی‌اف جوان که معاون شرکت دولتی نفت آذربایجان است به دومین چهره نیرومند در صحنه سیاسی آذربایجان تبدیل شده است و می‌رود تاجای پدر ۷۷ ساله خود، حیدر علی‌اف، را بگیرد.

واقعیت این است که انتخابات آذربایجان سناریویی ساخته و پرداخته حکومت بود. ناظران مستقل می‌گویند کمتر از یک سوم واجدان شرایط شرکت در انتخابات، از خود تمایل به رأی دادن نشان دادند. با آن که همه رسانه‌های آذربایجان در اختیار دولت است و در انتخابات، کاندیداهای تعیین شده از سوی حاکمان، حداکثر استفاده تبلیغاتی را از این رسانه‌ها کردند، معبداً حزب مخالف دمکراتیک اسلامی به نام «مساوات» پا به پای نامزدهای دولتی پیش آمد و نامزدهای طرفدار حزب حاکم با برخورداری از حمایت‌های حیدر علی‌اف، مردی که چه در دوران کمونیسم به عنوان خدمتگزار مطیع در برابر کرملین و چه بعد از این دوران، به‌عنوان رئیس جمهوری مستقل مدت ۲۰ سال بر آذربایجان حکم‌رانده است، به مجلس نمایندگان راه یافتند. انتخابات پارلمان تنها نمایش دمکراسی بود که در آن، مقامات رسمی همه تلاش خود را برای فرستادن نامزدهای حزب حاکم به

پارلمان به کار بردند. شاهدان خارجی ناظر بودند که چگونه صندوق‌ها با آرای تقلبی انباشته می‌شد و هر کس هم که اعتراض می‌کرد از سوی پلیس امنیتی بازداشت می‌شد. بسیاری از ناظران به زور از اطراف صندوق‌ها پراکنده می‌شدند.

«جرارد استودمان» رئیس دفتر دمکراسی و حقوق بشر سازمان امنیت و همکاری اروپا - که به عنوان ناظر این سازمان بر انتخابات آذربایجان به باکو اعزام شده بود - انتخابات را «دوره‌ای از سرکوب با شیوه‌های متفاوت» توصیف کرده است.

دولت‌های غربی در مورد آذربایجان احساسی متفاوت دارند. از سویی آنها آذربایجانی می‌خواهند که سوابق خود را در مورد دمکراسی و حقوق بشر بهبود بخشد و از سوی دیگر راهی مناسب و مثبت برای برطرف ساختن اختلاف‌های خود با همسایه‌اش ارمنستان در مورد سرزمین ناگورنا قره‌باغ - که مانع اساسی بر سر استقرار



صلح در قفقاز است - انتخاب کند. غرب همچنین منطقه را با اثبات می‌خواهد تا بتواند از سرمایه‌گذاری‌هایی که برای اکتشاف و استخراج نفت دریای خزر انجام می‌دهد در امنیت کامل بهره‌برداری کند.

انتخابات مملو از قلب و مشحون از دخالت‌های مقامات دولتی موجب شد که شورای اروپا، یک ارگان حقوق بشر و نوعی اتاق انتظار برای داوطلبان عضویت در جامعه اروپا تشکیل دهد و آذربایجان را موقتاً در پشت درهای بسته خود منتظر بگذارد. البته آنها الزاماً و به دلایل دیپلماتیک همین رفتار را با ارمنستان نیز کرده‌اند و آن را نیز از فهرست عضویت عاجل در جامعه اروپا دورنگه داشته‌اند. با آنکه دمکراسی ارمنستان نیز چندان مزیتی بر آذربایجان ندارد، آرامنه از این عمل شورای اروپا به شدت انتقاد کرده و تصمیم آن را مورد حملات شدید قرار داده‌اند. کشور سوم قفقاز، یعنی گرجستان، با بهره‌گیری از روش شورای اروپا نسبت به ارمنستان و آذربایجان و با آنکه این کشور نیز از نظر داشتن دمکراسی مورد نظر شورای اروپا واجد شرایط نیست، موفق شد که خود را در فهرست عضویت جامعه اروپا قرار دهد.

حیدر علی‌اف به لطف رفتارهای دیکتاتورمابانه خود موفق شده است ثبات را در آذربایجان بیش از گذشته برقرار نماید و از طریق ایجاد ارتباطی قوی با گرجستان و ترکیه، گوی سبقت را از رقیب ارمنی خود برآید. غرب و به ویژه آمریکا - که چشم طمع و اشتیهای سیری‌ناپذیر خود را متوجه منابع ارزشمند نفت دریای خزر کرده - امیدوار است ساختمان به تأخیر افتاده

آذربایجان با زندگی وداع کند، این احتمال وجود دارد که آذری‌ها بیش از این روش‌های او را تأیید نکنند و به پسرش نیز لیبیک‌نگویند و نیز این احتمال وجود دارد که اکثریت آذری‌ها «رسول‌قلی‌یف» رئیس پیشین پارلمان آذربایجان را - که در حال تبعید در نیویورک به سر می‌برد - به رهبری خود انتخاب کنند. «قلی‌یف» رئیس پیشین پالایشگاه باکو، مانند علی‌اف از اهالی نخجوان و شخصیتی انعطاف‌ناپذیر است. حیدر علی‌اف هنوز هیچ نشانه‌ای از ایجاد تغییرات در سیستم سیاسی آذربایجان از خود بروز نداده است. حتی نحوه برگزاری و نتایج انتخابات و آرای زیاد مخالفانش نیز نتوانسته است او را نسبت به آینده کشورش حساس کند. خودش معتقد است هنوز توانایی انجام هرکاری را دارد و خود را آماده می‌کند تا در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۲ شرکت کند. وقتی علی‌اف درباره این مسائل صحبت می‌کند، پسرش - الهام - لبخندی طنزآلود بر لب می‌آورد.

مأخذ: مجله اکونومیست - ۱۷ نوامبر ۲۰۰۰
برگردان: از بخش ترجمه گزارش

شل شود، چه پیش خواهد آمد؟ اگر او بمیرد چه خواهد شد؟

در هر نوع محاسبه، چشم انداز آینده آذربایجان، مطمئن نیست. آرای زیادی که به نفع حزب مخالف علی‌اف «مساروات» ریخته شده، فرصت‌های بسیاری را به رهبر این حزب - عیسی

هم آذری‌ها و هم ناظران خارجی بر این عقیده‌اند که آینده جمهوری آذربایجان مبهم و نامطمئن است

غمبار - داده است تا مخالفان حیدر علی‌اف را متشکل کند. از سویی برای ادامه حمایت اطرافیان علی‌اف از او و پسرش - الهام - هیچ تضمینی وجود ندارد و این حمایت می‌تواند مانند همه دیکتاتوری‌ها با کوچک‌ترین تزلزل در ارکان حکومت از میان برداشته شود و یا متوجه مخالفان دیکتاتور گردد. زمانی که مرد پیر حاکم بر

خطلوله نفت - که نفت دریای خزر را از طریق ترکیه به بندر سیهان در مدیترانه حمل می‌کند - تا سال ۲۰۰۴ به پایان برسد.

علی‌اف از سویی مجبور است برای حفظ و ادامه حاکمیت خود بر آذربایجان گوشه چشمی به روسیه نیز داشته باشد. روسیه معتقد است آمریکایی‌ها در صدد هستند آذربایجان را هم به دلایل اقتصادی و هم به دلیل موقعیت استراتژیک آن، از سرزمین سنتی قفقاز جدا کنند و به غرب متصل سازند.

اما طبیعت حکومت آذربایجان هم آذری‌ها و هم خارجی‌ها را نگران کرده است. علی‌اف به هیچ‌وجه امکان تصمیم‌گیری را به دیگران نمی‌دهد و اصرار دارد حتی درباره کوچک‌ترین مسائل و مشکلات کشور نیز شخصاً تصمیم بگیرد. نگرانی‌ها از همین جا آغاز می‌شود. آذری‌ها و نیز خارجی‌هایی گویند چنانچه علی‌اف نتواند پاسخی مناسب برای مشکلات بزرگ کشور، نظیر نرخ بالای بیکاری، فساد و تقلب در انتخابات داشته باشد و گاهی با اعتراضات عمومی و تظاهرات خیابانی روبه‌رو شود، چه خواهد کرد؟ چنانچه طوقی که بر گردن ملت خود محکم کرده است،

